



وَأَزَلَّتِ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ

خدا بهشت را نزدیک میکند به متقین حالا نمی‌دانم یکی از کرامت بزرگ است می‌کشاند می‌آورند اینجام از اینجا، می‌روید آنجا، این را نمی‌دانم ولی بهشت بعد از قیامت غیر از اینجاست غیر از دنیاست در جای دیگر است اما راجع به برزخ سوالی کرده‌اند، عرض کنم که «برزخ جهانی است بین مرگ و بین مبعوث شدن انسان‌ها در روز قیامت، جهان متوسط این دنیای مادی محض و بین عالم قیامت.

«بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

یک جهانی است بنام برزخ هم بهشت دارد و هم جهنم دارد، هم خوشی دارد و هم شلاق و کتک دارد.

زمین است، بهشت در این زمین نیست بهشت عالم برزخ در همین زمین است و ما با بهشتیان و فرشتگان زمین وارواجی که در زمینند یکجا هستیم و فاصله ما با آنها غیر محسوس است شاید همین جا یا ما قاطبی باشند یا تو قبرستان همینجاها هستند. گرچه عده‌ای به جاهای دیگر زمین رفته‌اند اما بالاخره بهشت عالم برزخ توی همین زمین است بهشت پس از قیامت که بهشت اصلی است و صحبت در این

مقدمه:  
در شماره های قبل بای درس حضرت آیت... مشکینی استاد بزرگ اخلاق نشسته و پیرامون آفرینش و درس‌هایی که مستقیماً به انسان می‌آموزد و همچنین کسانی که درس‌های آفرینش را بخوبی آموخته‌اند، مطالبی آموختیم، در شماره قبل نیز به کتاب نفس و اصلاح خطاهای آن پرداختیم، در این شماره به سوالی که خوانندگان در مورد قیامت و محل برپایی آن داشته‌اند و جوابی که حضرت آیت... مشکینی داده‌اند می‌پردازیم.

## مسئله ساد، قیامت و عالم برزخ

سوال: آیا قیامت در همین دنیا بر پا میشود یا نه؟

جواب - بر طبق آنچه که ظواهر آیات شهادت میدهد قیامت همینجاست قیامت در همین کره زمین است منتها آیات متواتر دارد که همه کوهها ابتدا آنچنان داغ میشود، «مقدمه القیامة» که شب قیامت است نه روز قیامت ابتدا همه کوهها کالعهن انفوش» نظیر فرشی که خیلی شل بشود بیاید باین و سپس پروردگار هم کوهها را برمیدارد و زمین مسطح خواهد شد و در زمین مسطح آنچه که زمین بلعیده از موجودات زنده انسان و حیوان، همه از زمین بیرون می‌آیند و در همین زمین صحنه قیامت برپا میشود طبق ادله، ادله، قیامت همینجاست محل

است که حضرت آدم در آن بهشت بوده است که خدا آورده اینجا یا تو بهشت دنیا بوده یا در بهشت برزخ بوده است که آورده خدا توی این دنیا یا مراد از آن باغی که خدا میفرماید از بهشت بیرون کردیم یکی باغی از همین باغهای رسمی و معمولی در کره زمین بوده است که خدا میفرماید بیرون کردیم آورده و او را انداخته به جایی که باغ نداشتن به هرحال بهشت اصلی که پس از قیامت است ظاهر در این زمین نیست حالا نمی‌دانم کجا است و نمی‌توانم

## قیامت در کجاست

و اول کسی که در این جهان وارد شد اول کسی است که از انسانها مرد حالا انسانی که مرده کیه؟ اولی هابیل بوده که کشته شده یا از اولاد حضرت آدم قبل از هابیل کسی بوده که مرده که اینرا نمی‌دانیم ولی قدر مسلم هابیل یا اول بوده یا دوم این حدودها بوده است چون حضرت آدم قریب چهل هزار از نوه و نتیجه خودش را دیده است وقتی که زنده بوده است و از اولاد حضرت آدم هابیل اولین کسی بود یا دومین کسی بود که وارد برزخ شد مدتی روح هابیل در آن عالم برزخ به آن گندگی که شاید به پهنای جهان باشد تنها بود و بعد رفیق پیدا شد و بعد دیگر روزی ده تا بیست تا صد تا هزار حالا همه مرتب آنجا هم بر نمی‌شود آنجا هستند و آنجا (عالم برزخ) اطاق انتظار عالم قیامت است و آنجا مثل اطاق انتظار مطب، فرودگاه و امثال اینهاست و تا بشرها تمام نشده‌اند و تا، آخرین بشر در دنیا مرده نشده مسافرین برزخ خلاص شده‌اند آخرین فردیکه از دنیا می‌میرد و در آن امام است زیرا که در روایات کثیره ما داریم اول فردی که خدا در دنیا ایجاد میکند

\* برزخ جهانی است بین مرگ و مبعوث شدن انسانها در روز قیامت، عالم برزخ، اطاق انتظار عالم قیامت است.

قضاوت کنم ولی از این آیه شریفه که میفرماید:

وَأَزَلَّتِ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ

پس از آنی که حسابها تمام شد و بنا شد شما متقین به بهشت بروید شما را نمی‌گویند که آقایون شما باید بروید بهشت شما شانتان اجل است و بهشت می‌آید خدمت شما و

قیامت روی زمین است و حساب و کتاب در همین زمین است و میزان در همینجاست تا وقتی که مومنین بخواهند به بهشت بروند ظاهراً جهنم هم در همین زمین است حالا نمی‌دانم قشر خارجی زمین مثلاً الان، خاک است و یک مقداری بیشتر بروی داغ‌تر میشود، داغ‌تر میشود تا اینکه میرسد به مایع داخل، و باز داخل‌تر آنقدر داغ میشود که بصورت بخار ولی از روایات استفاده میشود که جهنم در

## درس چهارم

باید حجت باشد یا امام یا پیغمبر و آخرین فردی هم که در دنیا می‌میرد یا باید امام یا پیغمبر باشد (حجت باشد) زیرا که دنیا بدون حجت نباید باشد و در روایت دارد

«لَوْ كَانَ فِي الدُّنْيَا إِتْنَانِ فَاحَدُهُمَا إِمَامٌ»

اگر در دنیا دو نفر هم باشد باید یکی امام باشد و آخرین فرد امام است که او می‌رود به عالم برزخ وقتی رفت در عالم برزخ می‌گوید الحمد لله هیچکس دیگر در این خاک نمانده همه رفتند اطلاع داده میشود در عالم برزخ و برزخ خاتمه پیدا میکند حال این برزخ که دیگر تمام شد بشر که تمام شد کی قیامت میشود و آن برزخها سه قسمند بر طبق آیات و روایات:

یک عده‌ای از برزخها به محض آنکه مردند زنده‌اند و منعم، یک عده‌ای از برزخها به



\* در روایات کثیره داریم که اول فردی که خداوند ایجاد میکند باید حجت باشد، یا امام یا پیغمبر، و آخرین فردی که از دنیا می‌رود باید حجت باشد، زیرا زمین بدون حجت خداوند نباید باشد.

محض اینکه مردند زنده‌اند و معذب (در عذاب)، یک عده‌ای از آنها به محض اینکه مردند مثل این است که توی خواب فرورفتند. یک دفعه چشم باز می‌کنند می‌بینند قیامت است. برزخ برای آنها عالم سیات است که در سوره عم هم دارد که

«وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا»

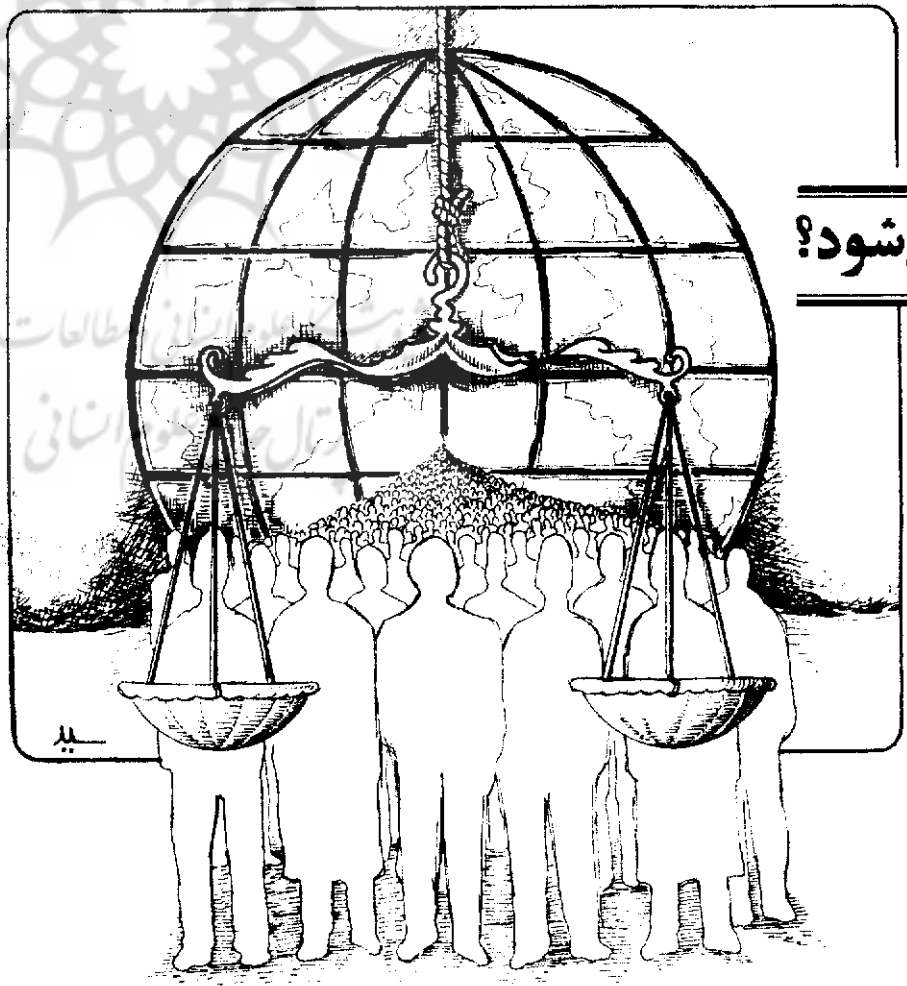
عالم سیات است یعنی عالم خواب است عالم بیهوش است کَمَا تَأْتِيهِمْ سَاعَاتٌ مِّنْ نَّوْمٍ وَ كَمَا تَسْتَيْقِظُونَ تَعْبَهُونَ پیغمبر می‌فرماید: که همچنانکه خوابتان میبرد مرگتان میبرد و همچنانکه بیدار میشوید به عالم قیامت می‌باید و معذب میشوید یعنی این وسط بر شما عالم سیات است عالم خواب است و این برای اکثریت امت کسانی که «الایمان محضا» - ایمان خالص زنده و منعم‌اند و لذا در قرآن هم کسانی که جهاد کرده‌اند و شهید شدند آنها را می‌گوید «لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ يَحْتَدِرُوهُمْ يُرْزَقُونَ همه را نمی‌گوید در عالم آخیا هستند و برای فرعون و امثال فرعون می‌گوید که

«النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا»

فرعونیان شبانه روز آنها معذبند مثلا پس عذاب برای محوالایمان محضا - آنکه ایمانشان درجه بالا کفرشان درجه بالا اینها آنها معذبند و منعم. اما آدمهای متعارف و متوسط خوابیدند رفتند یک وقت بیدار می‌شوند

كَانَ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عِشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا

خیال می‌کنند که از صبح تا ظهر خوابیده‌اند یا از ظهر تا غروب اینجوری حساب می‌کنند پس یکعده از برزخها اینجورند - این عالم برزخ است و حسابهایی دارد در آنجا و آنجا - غالب مثالی دارد بقیه در صفحه ۵۰



می‌شود؟

وابسته به غرب قرار گرفت و جایگاه خاصی در میان باصطلاح روشنفکران و آزادیخواهان زمان پیدا کرد. او با استفاده از عدم آشنائی اکثر نمایندگان مجلس اول به قوانین اجتماعی و حقوقی و به هم ریختگی نظام مجلس به علت نداشتن نظامنامه داخلی و قانون اساسی، طی نطق معروفی، تنها راه اداره کشور را اقتباس دقیق ویی کم و کاست از نظام غربی معرفی نمود قسمتهائی از نطق این سرکرده لیبرالیسم در ایران و روشنفکر خود باخته غربی به دلیل اهمیت آورده می شود:

«مجلس ما خیلی ناقص است و بدتر آن که در راه ترقی و تکمیل هم نیست چه اگر دول با ترقی و تنزل آنان را مقیاس قرار داده و تقسیماتی با درجات اعلی و درجات اسفل ثبت کنیم چون از صفر بالا روم پله پله از درجات ترقی صعود کنیم می رسیم به دول منظم قانونی چون روس و عثمانی و چون از آن بالا روم به دول مشروطه اتریش و آلمان و انگلیس و از آن بالاتر به دولت فرانسه و سویس و آمریکا می رسیم که رفته رفته نواقص کمتر می شود و اغلب اصلاح شده و هم آن درجات اعلی باز می بینیم که نسبت به خودشان نواقصی دارند که ایشان مشغول اصلاح آن هستند... این مشروطیت را در جاهای دیگر دنیا بازحاتم چندین ساله اختراع کرده اند چون هر چیز را بخواهیم از ماخذش برداریم... در این مورد عدم به از وجود ناقص است.»

سلاخی بود برای مقابله با مشروطیتی که دچار انحراف شده بود و در نهایت به ایزاری کار استعمارگران و وسیله فریب ملت تبدیل شده بود. از جانب دیگر، جریان روشنفکری متأثر از فرهنگ غربی نیز تحت لوای «مشروطه خواهی» با نظام حاکم به مخالفت برخاسته بودند. این

روشنفکران که اکثرا مدت مدیدی را در کشورهای اروپائی برای تحصیل گذرانده بودند، شدیداً تحت تاثیر نظامات غربی قرار گرفته و اعتقاد عمیقی به سیستم حکومتی آنها و روش پیشرفتشان یافته بودند. این جریان، تمدن غربی را مدیون جدایی دین از سیاست دانسته و خواستار دمکراسی به سبک غرب بوده و بر تشکیل مجلس بعنوان مهمترین رکن دمکراسی تکیه میکرد. روشنفکران غربزده که از این پس در طول تاریخ معاصر ایران بعنوان یک جریان خطرناک مطرح گشتند، سعی بسیار داشتند با دقت تمام هر آنچه را که در غرب دیده بودند، بدون هیچ کم و کاستی ویی توجه به شرایط فرهنگی و مذهبی و ملی و اقلیمی در ایران پیاده نمایند. اشاعه فکر مشروطه خواهی، آزادیخواهی، نظام و سازماندهی خاص نظام سرمایه داری سیستم پارلمانی غربی وجه اصلی تلاش و فعالیت روشنفکران خود باخته و از خود بیگانه گشته بود و از آنجا که نظام حاکم بر ایران تا آن زمان، مبتنی بر استبداد فردی و روابط قنودالی بود، در موضع مخالف آن قرار گرفتند.

البته در جریان مبارزه قاطعانه و خونین علیه رژیم حاکم، توده های مردم به رهبری روحانیون متعهد حضور داشتند هرگونه زجر و شکنجه و محرومیت و تبعید و شهادت را متحمل گشتند تا اینکه کمر استبداد را شکستند و مشروطه را محقق ساختند ولیکن این روشنفکران غربزده از همان آغاز نهضت، راه خود را با تحصن در سفارت انگلیس از علما و مردم مسلمانی که در قم و حرم عبدالعظیم بست نشسته بودند جدا کردند و نتوانستند در بین مردم پایگاهی ایجاد نمایند و صرفاً در محدوده همان طبقات اشرافی و مقلدین غرب، به تبلیغ و نشر دیده ها و شنیده ها و خواننده های خود پرداختند و تنها پس از

پیروزی مشروطیت بود که سر و کله آنها برای بدست گرفتن مناسب و راهیابی، مجلس و شرکت در قانونگذاری پیدا شد.

نفوذ و قدرت یابی این جناح که با رنگ و بوی آزادیخواهی و ترقیخواهی به میزان آمده بود، زمینه تسلط نفوذ مرموزانه استعمار انگلستان از طریق همین روشنفکران غربزده در ارکان اساسی نظام مشروطیت، نظام دلخواه آنان را ایجاد نمود و روابط استعماری و استبدادی و استثمار را در شکل نوینی متناسب با شرایط زمانی و مقتضیات دنیای رو به رشد سرمایه داری غربی در ایران تحکیم بخشید.

بدیهی است که این نفوذ و بهره برداری موزیانه از حرکت مردمی، بیانگر ابداع حرکت توسط استعمار نمی باشد و لذا در تحلیل نهضت مشروطیت به اصالت حرکت اعتراض آمیز مردم و روحانیون و علمای ایران و نجف باید تکیه نمود در عین حالیکه نقاط ضعف و سستی های حاکم بر نهضت که مانع از به ثمر رسیدن خون شهدا و آرمان آنها شد نیز نباید به فراموشی سپرد. تعهد عمیق علما و مردم نسبت به اسلام، در مقاطع بعدی حرکت های وسیع و خونین دیگری مانند حرکت جنگل بهربری میرزا کوچک خان، قیام تبریز بهربری خیابانی، حرکت تاریخی مدرس را علیه اشکال نوین استعمار آفرید و راه شهیدان نهضت مشروطیت را تداوم بخشید.

## مسئله معاد .....

رفاقت ها دارد، دوستها دارد - دشمنها دارد و تفصیلاتی در آنجا دارد.

«نفخت فیه من روحی»

حقیقت روح را دوستان تا بحال کسی پیدا نکرده و دنیای متمدن محقق و پژوهشگری که ادعا می کند ما پروتوس را می توانیم تحقیق کنیم و پیدا کنیم هم در این دنیا در برابر کشف این حقیقت موجود اقرار دارند که عاجزند ما می دانیم یک موجودی است با این بدن ملموس ما با این موجود خارجی آن موجود گاهی تماس می گیرد و گاهی تماسش را قطع میکند هر وقت تماس گرفت، یاخته های این بدن حرکت می کند یاخته این بدن شروع به فعالیت می کند و اگر آن موجود از این بدن دست کشید حتی آن یاخته ها و سلولهای بدن هم از بین می رود به یک آدم زنده ای که دارد حرف می زند تمام یاخته ها زنده است برق بهش وصل می کنند می میرد پس از مرگش دیگر هیچ حرکتی ندارد ادامه دارد

جهاد

## سربداران شاهد .....

هرکجا بهشت که می خواهی برو بگرد، برو سیر کن، همه بهشت هم در اختیار تو برو هرکجا می خواهی بگرد و تماشا کن، هر نقطه ای هم می خواهی برو بشین، (این از من است، از حدیث نیست، شاید هم نتیجه این باشد) خصلت هفتم: آن بنظر فی وجه ...، جای این بود که صداها به تکبیر بلند شده باشد نگاهش بیفتد به وجه خدا، من کان یرجو لقاء ربه فلیصل عملاً صالحاً و لا یشرك بعبادة ربه احداً، شهید بواسطه اینکه خونت را در راه خدا دای لطف خدا را بین، وجه خدا را بین، عنایت خدا را بین، پاداشی را که خدا به تو میدهد بین، سپس بعدش: و انما لراحة لکل نبی و شهید، یعنی هیچ چیز برای

نبی و شهید خوشتر از این نیست که وجه خدا را ببیند، لطف خدا را ببیند، عنایت خدا را ببیند، مشمول الطاف علیه الهیه بشود.

